

جنسیت و ساختار برنامه درسی پنهان

چکیده:

مدرسه یک نمونه بنیادین و اساسی در ساختار گرای جنسیت به دلیل منطق اهداف آن و چارچوب بندی اهداف معنایی آن در سازمان دهی آگاهی افراد به عنوان اشخاص و مشارکت آن ها به عنوان شهروندان است. با این حال، وقتی که مدرسه مداخلات خود را تعیین کرد، محتوای ضمنی آن که از نظر ساختاری در افراد لحاظ شده است کنترل نمی شود و بدون این مبانی، سهم برنامه درسی رسمی عملاً صفر خواهد بود. این مطالعه به معرفت شناختی یا شناخت شناسی تلفیقی در هر دو برنامه درسی پنهان و رسمی و تاثیر آن ها بر روی جامعه می پردازد. گیرنده ها و یادگیران، از طرفین ساختار هایی هستند که هویت یا عدم هویت را از طریق تشکیلات نمادین از فرهنگ واقعی ارایه می کنند که در زندگی روز مره درونی سازی شده است. پیامد های جنسیتی برنامه درسی پنهان از محتوی برنامه درسی مدارس در طراحی زندگی افراد بسیار مهم است و از این روی مدرسه یکی از گد های تولید شهروندان مشارکتی است. الگو های آموزش از اصول تعاریف از فرد و جمع گرایی پشتیبانی می کنند و این بدین معنی است که هر دو معلم و دانش آموزان، مدیران و دست اندرکاران تفاوت های جنسیتی را دارند.

کلمات کلیدی: مخفی؛ برنامه تحصیلی؛ جنسیت؛ دانش آموزان و هویت؛ عدالت؛ شهروندان

مقدمه

پیشرفت معنی دار در آموزش زنان، یکی از مهم ترین انقلاب های خاموش در قرن 20 بوده است. وقتی که زنان از حیث پیش قضاوت در مورد نقش منفعل آن ها به صورت افراد بدون استقلال به آزادی رسیدند، آموزش تنها به یک کار بسیار پیچیده تبدیل شد زیرا موضوع زمان در آموزش به یک موضوع مهم تبدیل شده و به صورت فرمول آموزشی خاص برای جنسیت زن از قبل طراحی نشده بود. آموزش امروزه موجب شده است تا زنان محترم، جسور و تعاملی بار بیابند که این خود به حل مسائل جهانی و نیز زندگی در جامعه دموکراتیک کمک کرده است. وظیفه اصلی تبدیل فضای کلاس به فضا های انعطاف پذیر برای ایجاد حلاقت، استقلال زندگی و آزادی می باشد به طوری که با نوسان و تغییرت در تخصص زنان، احیای حیات زنان را در دنیا شاهد خواهیم بود.

فضای آموزشی که به صورت نمونه تولید و توسعه فرهنگ محسوب می شودف نهاده هایی را از افزایش زیاد زنان دریافت می کند که یک استعداد مهمی است که موجب بروز انقلاب در روابط اجتماعی و باز سازی پارامتر هایی می شود که در قرن 21 ظهور کرده اند. محتوی رشته، مدل های آموزشی، سر فصل های درسی و غیره تحت تحول ثابتی هستند به طوری که دیگر نمی توان در مورد مدل اصلاح آموزشی صحبت کرد. به این ترتیب از هایپر موبایلیه یا فعالیت سیستم های اقتصادی و سیاسی استفاده می شود.

زنان قرن 21 از سکوت به سمت یک محیط کاری ای رفته اند که مسائل بحرانی توسعه را به بستر هایی برای رشد اهداف و مدد کاری اجتماعی تبدیل کرده است.

آموزش از دیدگاه فنی، می توان در راس سر فصل های آموزشی ای قرار گیرد که حاوی دانش مورد انتقال از طریق بستر های مدل های آموزشی می باشد از این روی امکان استفاده از مکانیسم های دو سویه، یادگیری آموزش و یا هر برنامه آموزشی پنهان نیز در این مطالعه وجود خواهد داشت به طوری که هدف اصلی ما توسعه این مکانیسم ها از طریق توسعه تاثیر بر روی ساختار گرای جنسیت است.

اصطلاح برنامه درسی پنهان که در 1968 توسط فیلیپ جکسون ارایه شد بیان می دارد که آموزش یک فرایند " اجتماعی سازی" است که امکان مجازی سازی یادگیری ضمنی دانش اموزان را در طی تحصیل می دهد. هنجار ها، ارزش ها و روابط اجتماعی امروزه کاملا مشهود هستند. استفاده از برنامه درسی پنهان برای طراحی برنامه های جدید برای توسعه قابلیت ها به عنوان مبنای اصلاح آموزشی قرن 21 مطرح روده است.

بیان مسئله

رابطه جنسیت، آموزش و برنامه درسی پنهان یک خط شناخت شناسی است که از اواخر قرن ایکس ایکس به دلیل اهمیت تغییر محتوی پرادایم های زن و مرد و تاثیر آن در بافت و محیط اجتماع بررسی شده است. از این حیث، هرناندز 2003، آموزش را مکانیسم و ساز و کاری می داند که تولید بی عدالتی اجتماعی به دلیل تئوری باز تولید اجتماعی، تئوری مقاومت و تئوری توسعه قوم نگاری می کند. در عین حال، فریر 1973، کیرولوس و مک لارن 1997، بر این باورند که مجازی سازی و استفاده از مدل آموزشی برنامه درسی پنهان امکان آگاهی از

تأثیرات را در ساخت هویت ها و مبانی آزاد سازی می دهد. مسئله اصلی شیوه استفاده از داستان ها، باز نویسی نقل قول ها و نیز آشکار سازی گروه های حاشیه ای است.

از این حیث، توسعه جنبش فمینیستی، تئوری هایی ارائه کرده است که امکان تمایز بین جنسی (تنظیمات بیولوژیکی) و جنس (اجتماعی-تاریخی)؛ مفاهیم تبعیض جنسی و مردسالاری (هژمونی مرد)، تجزیه و تحلیل از کلیشه ها و تعیین مکانیسم جذب جنس، (مدرسه به عنوان مبنایی برای خود سازی) را داد است. تئوری توسعه برنامه آموزشی پنهان از حیث جامعه شناسی، به عنوان ساخت جامعه شناسی جدید آموزش، و مطالعات چند فرهنگی تئوری موسوم به تئوری پسا بحرانی بوده است. لازم به ذکر است که ایجاد و انتشار این گفتمان افرادی با حقوق یکسان برای زنان می باشند. این گفتمان در خصوص نقش زن و دلایل ظلم در این مطالعه در نظر گرفته نشده است.

جنسیت و برنامه آموزشی پنهان

برنامه آموزشی پنهان به صورت مجموعه ای از هنجار ها، آداب، باور ها و زبان تعریف می شود که در ساختار و عملکرد یک سازمان متجلی می شود. دانش بر گرفته از مکانیسم فوق نه تنها بر دانش آموزان بلکه بر کلیه ذی نفعان اثر دارد. این منبع یادگیری برای همه افراد درون سازمانی بوده و تولید درک و دانش از فرهنگ می کند. این یک پدیده در دو طرف طیف فرایند آموزشی در نظر گرفته می شود.

1- در زمان ورود به مدرسه، به صورت آگاهی از واقعیت ناهمگنی یا کثرت برای مشارکت بیشتر در کسب تجربه

و تمایل برای تغییرات زیاد در زندگی

2- در انتهای تحصیل، به صورت یک سطح آگاهی و یا علاقه در نظر گرفته می شود که ناشی از مسائل گروهی بوده

و منافع فردی را به بهبود می بخشد این مربوط به رشته های مختلف آموزش حرفه ای است.

برنامه آموزشی پنهان شامل ساختار های زیست محیطی، دانشگاهی و مدیریتی است.

1- محیط فیزیکی زمانی که با شرایط برای بهتر سازی عملکرد مدرسه سازگار نباشد، منجر به اختلال در سیاست

کمتزل نهاد می شود

2- نبود منافع و علاقه معلمان در تداوم ارتقای تحصیلی منجر به عملکرد ضعیف در فرایند آموزش و یادگیری می

شود

3- این تمایز زیادی را در معلمان و نیز سیاست های سازمانی نشان داده است.

4- وقتی که مدیریت در قبال توسعه سازمانی متعهد نباشد، شناسایی دانش آموزان با اهداف و چشم انداز های سازمانی با مشکل مواجه می شود.

میزان پنهان بودن برنامه آموزشی چقدر است؟

برنامه آموزشی پنهان در زمینه های ارزش، رفتار و ویژگی های شخصی کار می کند. اهمیت ارزش ها در این احتمال است که معلمان و دانش آموزان باید اقدام به تحلیل و بحث مفاهیم ایدئولوژیکی و شیوه های مختلف تفسیر واقعیت برای افزایش چارچوب مناسب کنند که به استقلال سیاسی و اخلاقی کمک می کند.

در سازمان دهی قابلیت ها در مدل رفتاری آموزش، برنامه آموزشی پنهان به صورت یک عامل مهم در توسعه نگرش ها، مهارت ها محسوب می شود.

جامعه شناسی آموزش، برنامه آموزشی پنهان را به صورت ابعاد غیر صریح برنامه تحصیلی تعریف می کند. به طوری که پرنفود 2004 بر این باور است که این نوع شیوه ها در واقع رمز الود نمی باشند و به این ترتیب باید بخشی از کلیشه های محیط های اجتماعی در نظر گرفته شوند.

در سازمان دهی قابلیت های درون مدل رفتاری آموزش، برنامه آموزشی پنهان به یک موضوع اصلی تبدیل شده است و در چارچوب مدل بر اساس قابلیت ها، به صورت یگ معیار عمومی برای رفع نیاز های شخصی در نظر گرفته شده است. جامعه شناسی آموزش تعریف کننده برنامه آموزشی پنهان به صورت بعد ضمنی محسوب می شود.

برنامه آموزشی پنهان جنسیت

تحقیقات بر روی جنسیت در طی سال های اخیر توسعه یافته است (گلدبرک 1973، سالروت 1979، لاراد 1990، لی 2000، لاماس 2002)، آن ها به صورت مجموعه درونی، نامرئی و مخفی از ساختار افکار، ارزش ها، معانی و باور ها تعریف می شوند که سازنده ساختار، و تعیین کننده روابط میان عملیات و شیوه های اجتماعی میان زنان و مردان است. HCG در سطح غیر آکاهانه قرار گرفته است. HOG تعریف کننده شرایط فرهنگی توسعه شخصی با تعیین نقش جنسی، وظایف و انتظارات شخصی و اجتماعی بوده و بر موفقیت و شکست هر یک از وظایف اجتماعی اثر دارد.

HOG به شیوه ای غیر آگاهانه است به طوری که موجب توسعه مفاهیم و پشتیبانی از ارزش ها، شیوه های دسترسی به دانش شده و این گفتمان را دارد که شکلی از قدرت را بیان می کند.

HOG و آموزش مدرسه ای

تعریف

HOG، به دلیل این که بخش اصلی از ساختار شخصیت مرد و زن است موجب توسعه کلیشه های جنسی نظیر پدر سالاری می شود و از این روی آن ها اقدامات نامرئی هستند و از این روی اقدامات طبیعی باید دسترسی به واقعیت را محدود کنند. در فرایند آموزش، کاراکتر اصلی مدل سازی شده، رفتار ها تعریف می شوند ولی شکلی از یک رحم مادر است که در آن فضای زندگی وجود ندارد به طوری که COG ارتباط نزدیکی با آموزش رسمی و غیر رسمی دارد.

برنامه درسی پنهان: تاثیر آن بر روی زندگی تحصیلی و آموزش افراد

یکی از فرایندهای اساسی که توسط آن COG ایجاد می شود، ناتوانی معلمان برای تشخیص تاریخچه او است. ناتوانی در بررسی تجربه های یادگیری شخصی در فرایند آموزش و پرورش گزارش شده است و این علاوه بر آگاهی پایین در باز تولید ارزش ها، نگرش ها، رفتار ها و مهارت های اجتماعی می باشد. از این روی این آموزش بدون نگرش های انتقادی است و به این ترتیب آموزش یک پشتیبانی برای تحول اجتماعی و شخصی نیست. آن چه که در برنامه آموزشی پنهان مهم است این است که دانش آموزان آن را مجازی سازی می کنند، آن ها می دانند آموزش زمانی ارزشمند است که در مدرسه از طریق تحلیل انتقادی یاد گرفته شود و درجه موفقیت فرد بستگی به مقدار دانش مصرفی او دارد و دانش کسب شده در مورد دنیا ارزشمند تر از دانش دنیا است.

آموزش از دیدگاه جنسیت

در این جامعه پست مدرن، استفاده از دیدگاه جنسیت در موسسات آموزشی لازم است زیرا هنوز موسسات، کلاس ها، متون و یا شیوه های جنسی نامرئی برای زنان وجود دارد که در مورد میزان پستی زنان بیش تر از مردان قضاوت می کند. مدرسه به عنوان مهم ترین مرکز در تشکیل شخصیت زن و مورد، فضای اصلی برای آموزش از نظر جنسیت است. در این سناریو، وظیفه موسسات آموزشی، انتقال دانش عاری از کلیشه های جنسی است و آموزش دانش آموزان و دست یابی به رشد شخصی افراد لازم است.

آموزش با دیدگاه جنسیت مستلزم تشکیل شخصیت جدید افراد مختلف است و افراد بر اساس عدالت بین جنسیت آموزش می بینند و امکان دسترسی به خدماتی وجود دارد که یک سیستم آموزشی را با عدالت و بدون قطعیت میدهد. برای انجام تحقیقات اجتماعی، مبادلات نمادین، اشکال زبان و نیز غیره باید موسسات بتوانند در مشروع سازی قوانین بیشتر توانایی به خرج دهند از دیدگاه آکادمیک در مکزیک، مطالعات جنسیتی کمی در دانشگاه ها صورت گرفته است و از این روی نیاز به مطالعاتی در خصوص وضعیت فعلی زنان تحصیل کننده در دانشگاه احساس می شود به منظور شناسایی نیازها از حیث آماده سازی، آموزش، بهداشت و مسائل اجتماعی و خانوادگی لازم است. در عین حال، حرکت و جنبش تحول نشان دهنده وضعیت فعلی است که موجب تردید در ایجاد شرایط اجتماعی می شود. برای یادگیری در مورد تحول در تجربه و شیوه آگاهی از مجازی سازی، پارادایم های مختلفی ارائه شده اند. این دو شیوه مربوط به تصویر از خود و تبدیل احساس پذیری و شیوه نگرش و شیوه زندگی و رویا بوده است. این کار مستلزم معیارهای شفاف سازی است چون نیاز به افشای رابطه بین میدان مرئی و موهوم است و از این روی باید ساختار تئوری و شیوه های اجتماعی مطلوب باشد.

در اصطلاح معرفت شناختی، باید این سوال در مورد تبعیض جنسیتی در میان افراد برای کشف منطق و شیوه حل مسئله در نظر گرفته شود به این ترتیب فرهنگ جنسیت، ساختار اجتماعی نمادین نقش مهمی در تولید ساخت و اصلاح مفهوم ایفا می کند. اولاً، در تعاملات مدرسه می توان رویدادها و اقداماتی را یافت که مستلزم مجازی سازی بوده و این که شیوه های تعاملات روزانه به شفاف سازی فرهنگها کمک می کند. از این روی معلمان مرد و زن باید دیدگاه هایی را در خصوص تفاوت جنسیتی با دانش آموزان مبادله کنند. در برخی موارد، محدودیت های تخصصی یا زیر بخش های علوم باید موانعی را برای حوزه های تخصصی در نظر می گیرد. آیین نامه های حقوقی برای تقویت دیدگاهها و توسعه حرفه های تخصصی وجود دارد. دوماً، در خانواده که نهاد ساختار اجتماعی است، اهمیت جنس تعریف می شود و از این روی شیوه های حفظ خانواده در چاروب جنسیت تعیین می شود.

پیشنهادیه ها

1- اجرای دیدگاه های جنسیت در همه زمینه های جامعه

2- بهبود و ارتقای توانایی انسان برای پرسیدن سوال و نیز تداوم توسعه آگاهی زنان به عنوان عنصر ساختاری و اجتماعی است.

3- دیدگاه جنسیت باید شامل بیان فرایندهای تغییر دایمی باشد. تغییرات آگاهی از زنان و مردان برای مواجهه با مشکلات و نیز تغییرات سریع در جامعه پست مدرن

4- آموزش امروزه باید ترکیبی از جنسیت را در برنامه آموزشی پنهان در نظر بگیرد مفاهیم کلاسیک از برنامه آموزشی پنهان با مدل‌ها و قابلیت‌ها در نظر گرفته می‌شود

5- آموزش هم‌زمان که از دیر باز استفاده می‌شده است بر اساس انتظارات ایده‌آلی است که از حیث احترام به تفاوت جنسی در نظر گرفته شده است و سومین هویت را بازسازی می‌کند و به این ترتیب تفاوت‌های جنسیتی را از بین می‌برد.

6- از این روی سو تفاهم‌ها را می‌توان به صورت غیر اخلاقی، ناعادلانه و خطرناک در نظر گرفت زیرا یکی از زمینه‌های اصلی برای مشروعیت بخشی به بی‌عدالتی‌های اقتصادی، سیاسی، مذهبی، قومی و زبانی هستند. ساختار اجتماعی قدرت ایجاد شیذوفرنی کاذب کرده است

7- اجتناب از مداخلات در برنامه‌های درسی

8- اجتناب از فرایندهای آموزش موجب ایجاد واقعیتی می‌شود که موجب افزایش موقعیت‌ها شده و از این روی نوسانات نظری در نظر گرفته می‌شود که موجب تقویت ارتباط بین اهداف و آموزش نمادین می‌شود.

9- یکی از اثرات آموزش، تقویت جامعه و دولت است و از این روی آگاهی به صورت مشارکتی، هدفمند است و از این روی نسل مردان و زنان به صورت مولفه‌های اصلی از یک مدل آموزشی در نظر گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

برنامه آموزشی پنهان، یک دانش مربوط به فرایند درونی سازی دانش انتقال یافته در کلاس است که ایجاد الکوی دانش در دانش‌آموزان می‌کند ولی این‌ها فرایندهای با کنترل جزئی هستند.

کارآموزی و آموزش در خانواده موجب تقویت مفهوم مردانگی و زنانگی سنتی می‌شود یعنی مفاهیم جنسی سنتی و از این روی تقویت فرهنگ پدرسالاری را در پی دارد. مدرسه و خانواده دو نمونه برای مشروعیت بخشی به تناقضات بی‌عدالتی هستند.

حذف سنت های غالب ده هزار ساله موجب کاهش تعهد شده است. از این روی دست یابی به تغییرات مهم با زنان و برای آن ها اولین تلاش برای احقاق حقوق آن ها بوده است. فرهنگ ترکیب تفاوت های جنسیتی برای ارزیابی مفاهیم موجود در مورد جنسیت موید تغییرات پویا است. مدارس با برنامه های پنهان و خانواده با پارادایم های پدر سالاری نقش و کلیشه های جنسیتی از دیدگاه عدالت محورانه موجب تقویت زمینه معرفت شناختی شده و از این روی تفاوت های جنسیتی به منظور یافتن راهبرد هایی برای مداخله و مجازی سازی مشخص می شوند.